فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc504202254)

[انحاء مختلف تحقق عمل 2](#_Toc504202255)

[اضلاع قانون تدریج 3](#_Toc504202256)

[تزاحم اتقان و تسریع در انجام عمل 3](#_Toc504202257)

[پنج قانون تعلیم و تربیتی 3](#_Toc504202258)

[تسریع و تسابق فی کل عمل بحسبه 4](#_Toc504202259)

[رابطه رفق و مدارا با اصل تدریج 4](#_Toc504202260)

[مطلوبیت تدریج 4](#_Toc504202261)

[هشت اصل کلی بیان شده در تعلیم و تربیت 5](#_Toc504202262)

[اصل تفاوت‌های فردی 5](#_Toc504202263)

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول و روش‌های تربیتی/ اصل تدریج و تسریع در تربیت**

# اشاره

جمع‌بندی ما در بحث تدریج انجام شد و بیان شد که مسئله تدریج در نگاه فقهی و دینی، باید در منظومه چند عنوان موردبررسی قرار بگیرد.

# انحاء مختلف تحقق عمل

وقتی یک عملی دارای شرایط زمانی و اقتضائات هست، این عمل خواه واجب یا مستحب در آن شرایط و زمان باید انجام بپذیرد، عمل خواه در حوزه تعلیم و تربیت و غیر حوزه تعلیم و تربیت، به اشکال و انحائی می‌تواند تحقق پیدا بکند:

1. شکل اولش این است که قبل از موعد عمل؛ شخص اقدام بکند، این تعجیل گاهی حرام و گاهی مکروه و گاهی مصداق اطاعت نیست، امام کاظم علیه‌السلام بعضی از اصحابش را مذمت می‌کند که قبل از موعد عمل، اقدام کرده‌اند، در اینجا تفویت مصلحت می‌شود، گاهی افشای اسرار است و گاهی اقدامی است که موجب افشا شده است، اقدام به عمل قبل از موعد و فراهم آمدن شرایط؛ تعجیل مذموم است که گاهی حرام، گاهی مکروه و گاهی هم اگر امر مباحی باشد، مصداق خواسته مولا نیست.

2. اقدام به عمل بعد از تمام شدن وقت و شرایط آن، تأخیر عمل از وقت به طور کامل است که علی‌الاصول مصداق مأموربه نیست، مگر اینکه دلیل خاصی باشد، مثل قضا و امثالهم، در این تأخیر طبعاً معصیت یا کراهت وجود دارد، برای اینکه در حین عمل شخص مکلف به واجب یا مستحب بود، عمل را انجام نداد، در این صورت مذموم است، اما درجه مذمومیتش فرق می‌کند، علاوه بر آن خارج از مصداق امر مولا است که اگر بخواهد مقبول هم باشد امر دیگری می‌خواهد.

3. اقدام به عمل در محدوده شرایط و وقت بالذات یا بالعرض؛ قانون سومی به نام تسریع و تسابق هست، در این محدوده موسع که مصداق امر مولا است، می‌فرمایند که تسریع و تسابق داشته باشید، فوراً ففوراً مستحب است که انجام بگیرد، این مورد مستحب مؤکد است.

4. قانون بعدی این است که تأخیر در محدوده‌ای که همه آن زمان مصداق امر مولا است، مذموم است، بهتر است که اولین زمان ممکن انجام بگیرد.

دو تا از آن‌ها حالت‌های الزامی دارد، وقتی عمل را خارج از وقت و شرایط انجام بدهد، دو تا هم حالت ترجیحی و مرجوحی در درون وقت و شرایط موسع دارد.

# اضلاع قانون تدریج

قانون تدریج می‌گوید که در عمل شتاب نکن، قانون تدریج چند ضلع و شاخه دارد، مقصود از انجام به صورت تدریج، مقابل آنجایی است که کسی تعجیل قبل از موعد عمل بکند.

تدریج در مقابل تعجیل که قانون اول است که امر مذمومی هست، ضلع دیگر تدریج این است که در اعمالی که در دائره زمانی‌اش قرار دارد، رعایت تدریج بشود، این ضلع تدریج که قانون پنجم است، این در تزاحم ایجاد می‌شود، معنایش این است که اعمالی وجود دارد و در صورتی نتیجه می‌دهد که تدریجاً انجام بشود.

شخص اقدام به عملی می‌کند که شرایطش نیست و مولا این عمل را قبول ندارد، برای اینکه اثر ندارد، روح این شکل به اولی برمی‌گردد، یعنی اقدامی را انجام می‌دهد که نتیجه‌ای را در بر ندارد، شرط عمل این است که نتیجه بدهد، لذا درواقع خروج از آن مرز است.

# تزاحم اتقان و تسریع در انجام عمل

نوع دیگر تزاحم است، عمل را می‌شود انجام داد و شرایطش موجود است، تسریع و تسابق هم صدق می‌کند، اما وقتی ملاحظه می‌شود، اگر این عمل را به‌آرامی انجام بدهد؛ کمال بیشتری دارد، در اینجا تزاحم میان اتقان بهتر عمل و سرعت زمانی عمل ایجاد می‌شود، به‌عبارت‌دیگر قانون پنجم تدریج است و تدریج دو ضلع دارد، یک ضلع تدریج ناظر به آنجایی است که قبل از موعد عمل اقدام شتاب‌زده‌ای می‌کند، ضلع دیگر تدریج؛ رجحان در مقابل تسریع و تسابق است، عمل اثر دارد، اما اگر به شکل تدریجی انجام بشود، کمال و عمق بیشتری دارد، در اینجا تزاحم دو مستحب است، ممکن است بعضی از موارد تدریج اولی از تسریع و تسابق باشد.

# پنج قانون تعلیم و تربیتی

بنابراین می‌توان پنج قانون را در ارتباط با تعلیم و تربیت برشمرد که عبارت‌اند از:

1 – قانون تعجیل مذموم

2 – قانون تأخیر مذموم بعد از وقت عمل

3 – قانون تسریع و تسابق ممدوح رجحانی در محدوده عمل

4 – تأخیر در محدوده عمل که مکروه است، در همه تکالیف مصداق دارد.

5 – تدریج

# تسریع و تسابق فی کل عمل بحسبه

تسریع و تسابق در هر چیزی به‌حسب خودش است، در محلی تسریع و تسابق یک معنا و در محل دیگر معنای دیگر دارد، گاهی یک عمل است که باید آناً انجام بشود، تسریعش این است که در اولین ظرف زمانی ممکن محقق بشود، گاهی هم ذات عمل مرحله‌ای است، در اینجا تسریع او منافات با مرحله‌ای بودن ندارد.

# رابطه رفق و مدارا با اصل تدریج

رفق و مدارا به این است که اگر می‌داند که الآن بخواهد در زمان محدود این مطلب را به آن شخص عرضه بکند، اثری ندارد، اما اگر به طور مثال این مطلب را در طولانی‌مدت و تدریجی عرضه کند، در شخص مقابل تأثیر می‌گذارد، از این لحاظ تدریج با بحث رفق و مدارا تکمیل می‌شود.

یک عمل را تدریجاً انجام دادن، می‌شود محکوم به احکام خمسه بشود، تدریج گاهی حرام است؛ آنجایی که عمل را این‌قدر طولانی می‌کند که موعدش می‌گذرد، گاهی تدریج واجب است، گاهی هم مستحب و مکروه و مباح می‌شود، با توجه به مسائل مطروحه، اصل تدریج؛ محکوم به احکام خمسه است، در بعضی از موارد است که تدریج واجب و مستحب است، گاهی هست که تدریج؛ حرام یا مکروه و یا مباح است، اگر می‌گوییم اصل تدریج در تعلیم و تربیت به‌عنوان یک اصل باید حاکم بر کاربرد و روش‌ها باشد، به‌عنوان یک اصل ترجیحی و مورد توصیه و تأکید، شرایط دارد، تدریجی که موجب اتقان بیشتر کار می‌شود و موجب نفوذ بهتر عمل تعلیمی و تربیتی می‌شود، یعنی در چارچوب تکلیف قرار می‌گیرد و موجب اتقان بیشتر کار می‌شود.

# مطلوبیت تدریج

تدریج در دو محل مطلوبیت دارد:

1 – جایی که ذات عمل طوری نیست که به صورت دفعی انجام بشود، بلکه باید تدریجی انجام بشود.

2 – ذات عمل تدریجی نیست، اما تدریج حالت رجحانی دارد.

اصل تدریج در برخی از موارد الزامی است، برخی از موارد ترجیحی است.

# هشت اصل کلی بیان شده در تعلیم و تربیت

درواقع حدود هشت اصل بیان کردیم:

1 – اصل رعایت ظرفیت‌ها و رفق و مدارا

2 – احتمال تأثیر

3 – عدم تأثیر معکوس

4 - قانون تعجیل مذموم

5 – قانون تأخیر مذموم بعد از وقت عمل

6 – قانون تسریع و تسابق ممدوح رجحانی در محدوده عمل

7 – تأخیر در محدوده عمل که مکروه است، در همه تکالیف مصداق دارد.

8 – تدریج

این اصل‌ها؛ جنبه فقهی دارند و حاکم بر مسائل تعلیم و تربیت هستند، در قلمروهای غیر تربیتی هم غالباً جاری هستند.

# اصل تفاوت‌های فردی

بحث دیگر اصل رعایت تفاوت‌های فردی است، مقوله تفاوت‌های فردی در تعلیم و تربیت طبعاً موردتوجه قرارگرفته است، گفته می‌شود که یک مربی، هنگامی‌که می‌خواهد به عمل تعلیم و تربیت بپردازد، باید یک نگاهی هم به تفاوت‌های فردی داشته باشد، روش‌ها و برنامه‌های خود را با این نگاه تنظیم بکند، برای اینکه در روش‌ها و برنامه‌های تعلیمی و تربیتی؛ غالباً قواعد کلی و مشترکات دیده می‌شود، در حال حاضر هم همین‌طور است، در طول تاریخ هم به همین صورت بوده است، وقتی تعلیم و تربیت جنبه رسمی پیدا می‌کرده است، معمولاً مشترکات دیده می‌شود، برنامه هم بر اساس مشترکات تنظیم و ارائه می‌شود، اما در تعلیم و تربیت غیررسمی، از قدیم این‌طور بوده که توجه بیشتری به تفاوت اشخاص و افراد داشته است.

بنابراین در تعلیم و تربیت‌های رسمی کمتر به تفاوت‌های فردی توجه می‌شود و می‌شده است، در تعلیم و تربیت غیررسمی؛ بیشتر این تفاوت‌های فردی موردتوجه قرار می‌گرفته است، طبعاً تأکید بیشتری بر این است که تفاوت‌های فردی دیده بشود.

تفاوت‌های فردی در بستر همان تفاوت‌هایی که ممکن است مراحل سنی داشته باشد، یا تفاوت‌های خانوادگی و امثالهم، در یک محدوده‌ای که افراد از جهات دیگر، در یک شرایط قرار می‌گیرند، اما اشخاص باهم یک تفاوت‌هایی دارند، تفاوت‌های فردی در مقابل تفاوت‌های خانوادگی، سنی، جنسیتی و امثالهم دارند.

در روان‌شناسی این مسئله موردبحث قرارگرفته است و آن‌قدر توسعه پیدا کرده است که در حد یک گرایش است، اگر هم به یک گرایش نرسیده باشد، یک حوزه مهم تحقیق و مطالعه و مباحثه است، سخن در ابعاد مختلف آن وجود دارد، اینکه تفاوت‌های فردی، ذاتی، ارگانیزم، عوامل خانوادگی، عوامل محیطی و امثالهم است، در عرض یا در طول آن‌ها است، فی‌الجمله درآیات و روایات ما به التفاوت‌های فردی اشاره شده است، این بحث به تعلیم و تربیت منتقل شده است و آن اصل رعایت تفاوت‌های فردی در نظام تربیتی است، در تربیت‌های رسمی و هم در تربیتی‌های غیررسمی.

به این مسئله به طور اجمال خواهیم پرداخت و سپس اینکه در نگاه دینی این مسئله چگونه است و نهایتاً در نگاه فقهی چه وضعیتی دارد.